

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  **دوره یازدهم - سال چهارم** |  |  **شماره گزارش: 1000095** |
|  **تاريخ چاپ: 00/00/1403** |  |  |

**گزارش نهايي تحقيق و تفحص**

**از شرکت شستا از سال 1392 الی 1399**

**كميسيون:**

**کمیسیون اقتصادی**

در اجراي ماده (212) آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي

 معاونت نظارت

اداره كل امور كارشناسي نظارت

بسمه تعالی

**هیأت‌رئیسه محترم مجلس شوراي اسلامي**

سلام علیکم؛

 پيرو مصوبه مورخ 07/04/1401 مجلس شوراي اسلامي در خصوص ضرورت انجام تحقيق و تفحص از «شرکت شستا از سال 1392 الی 1399»، پس از تعيين و ابلاغ احكام اعضاي هيئت تحقيق و تفحص به شماره نامه 67182/4 مورخ 18/07/1401، گزارش هيئت در تاریخ 20/12/1402 در جلسه مشترك اعضاي كميسيون، اعضاي هيئت تحقيق و تفحص و مسئولین دستگاه ذی‌ربط طرح و گزارش ذيل در جلسه مورخ 19/1/1403 به تصويب كميسيون رسيد.

در اجرای ماده (212) آیین نامه داخلی، گزارش مصوب جهت قرائت در صحن علنی مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد.

 **محمدرضا پورابراهیمی داورانی**

 **رئیس کمیسیون اقتصادی**

**گزارش تحقیق و تفحص از شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) و شرکت‌های زیرمجموعه آن از سال 1392 الی 1399**

**بخش اول : مقدمه و بیان مسأله**

پیرو مصوبه مورخ 7 تیر 1401 مجلس شورای اسلامی در خصوص ضرورت انجام تحقیق و تفحص از شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) با محوریت **«بررسی وضعیت مدیریت اقتصادی، مالی، اداری و حقوقی شرکت »** طی بازه زمانی 1392 الی 1399 و سه محور فرعی زیر، پس از تعیین و ابلاغ احکام اعضای هیئت تحقیق و تفحص، این هیئت در اجرای ماده ۲۱۲ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، گزارش خود را نهایی و بانضمام اسناد به کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارسال کرد که خلاصه آن جهت ارائه به صحن مجلس شورای اسلامی تقدیم میگردد:

**محورهای فرعی تحقیق و تفحص از شستا:**

1. بررسی مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های زیر مجموعه، فرایند خرید و فروش داخلی و خارجی، خرید و فروش دارایی‌ها و نحوه رعایت صرفه و صلاح شرکت، اجاره دارایی‌ها، اخذ تسهیلات و نحوه پرداخت به شرکت‌های تابعه و اخذ تضامین بازپرداخت، چگونگی انجام حواله‌های ارزی و ... و تخلفات ناشی از آن

2. بررسی نحوه انتصابات و بررسی تناسب ترکیب اعضاء هیئت مدیره‌ها در برخی از شرکت‌ها از لحاظ تحصیلات و تجربه کاری متناسب با فعالیت اجرایی شرکت، نحوه به‌کارگیری مشاوران، عضویت اعضای هیئت مدیره‌ها به صورت هم زمان در شرکت‌های مختلف، بررسی ضوابط حقوق و مزایای معاونان، مشاوران و مدیران شرکت‌ها و تخلفات ناشی از آن

3. بررسی مدیریت بخش حقوقی شرکت‌های زیر مجموعه شستا و تعداد دعاوی حقوقی، فرایند دعاوی و نحوه صرف هزینه‌های وکالت و نتایج مالی دعاوی حقوقی به نفع شستا، بررسی انتصاب مدیران حقوقی متمرکز از طریق معاونت حقوقی شرکت شستا و اخراج کارشناسان حقوقی مستقل

 «شستا» با گذشت حدود چهار دهه از تأسیس، با وجود آن که خود را یکی از شرکت‌های بزرگ اقتصادی در سطح غرب آسیا می‌داند و در زمینه سرمايه‌گذاری و مشاركت در فعاليت‌های اقتصادی و بازرگانی اعم از فعاليت توليدی، بازرگانی، خدماتی (مالی، مديريتی و…) و تشكيل انواع شرکت‌ها فعالیت می‌کند، مع‌الأسف نتوانسته است به اهداف تعریف شده دست یابد و از گزند مثلث «فسادهای لایه‌ای»، «مدیران نالایق» و «دخالت‌های سیاسی» در امان باشد. در مجموع می‌توان، دلایل ناکامی شستا را در دست‌یابی به اهداف تعریف شده، در چند محور ذیل خلاصه کرد:

1. وجود مدیران ناکارآمد و نبود شایسته‌گزینی در برهه‌های مختلف
2. دخالت افراد و نهادها در سطوح مختلف
3. تحمیل اجرای پروژه‌های غیرکارشناسی، سیاسی و دستوری در شئون مختلف
4. نداشتن ثبات، اهداف و راهبردهای بلندمدت شرکت‌ها در جنبه‌های متعدد
5. واگذاری شرکت‌های زیان ده و کم بازده به سازمان تأمین اجتماعی در قالب رد دیون دولت
6. ضعف عملکرد کلیه نهادهای نظارتی ناظر به بنگاه‌ها در ساحت‌های مختلف
7. نقص در نظارت حوزه قضایی برای شکایت از مدیران در ابعاد متعدد
8. تقسیم پست‌های مدیریتی با محوریت قوم‌گرایی، حزبی‌گزینی گونا‌گون
9. ناچیز بودن معدل دلسوزی به‌منافع جمعی و حراست از آن در حوزه‌های مختلف

10. مالک‌پنداری به حاشیه سودهای شرکت‌ها با نادیده گرفتن مالکان آنها یعنی مردم

11. درهم‌تنیدگی و گستردگی شرکت‌ها و پیچیده شدن رصدپذیری دقیق

بخش دوم : فرآیند تحقیق و تفحص

از میان 9 هلدینگ تابعه شستا، 6 هلدینگ تاپیکو، تیپیکو، تاصیکو، صبا تأمین، سیمان تأمین و کشتیرانی بورسی بوده و مطابق برنامه‌ریزی انجام شده، مراحل ورود به بورس 3 هلدینگ دیگر شامل صنایع عمومی تأمین، مدیریت توسعه انرژی تأمین و خدمات ارتباطی رایتل در حال انجام است. هلدینگ‌های نُه‌گانه شستا عبارت‌اند از:

|  |  |
| --- | --- |
| هلدینگ | حوزه فعالیت |
| 1. هلدینگ نفت، گاز و پتروشیمی تأمین (تاپیکو) | سرمایه‌گذاری در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی و پالایشگاهی |
| 2. هلدینگ دارویی تأمین (تیپیکو) | سرمایه‌گذاری در صنعت دارو شامل تولید مواد اولیه، محصول نهایی و توزیع |
| 3. هلدینگ صدر تأمین (تاصیکو) | سرمایه‌گذاری در صنایع معدنی |
| 4. هلدینگ صنایع عمومی تأمین | سرمایه‌گذاری در حوزه دامداری و لوازم خانگی |
| 5. هلدینگ سیمان تأمین | سرمایه‌گذاری در حوزه سیمان، عمران و حمل و نقل |
| 6. هلدینگ مدیریت توسعه انرژی تأمین | سرمایه‌گذاری در حوزه نیروگاه و تولید انرژی |
| 7. هلدینگ صبا تأمین | ارائه خدمات مالی |
| 8. خدمات ارتباطی رایتل | ارائه خدمات ارتباطی شامل ویس و دیتا |
| 9. هلدینگ کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران | خدمات حمل و نقل دریایی |

در ادامه و به صورت اجمالی برخی از تخلفات صورت گرفته در شرکت‌های زیرمجموعه شستا اشاره می‌شود:

**1. شرکت ذوب آهن اصفهان**

در شرکت ذوب آهن اصفهان مانند هر شرکت تولیدی دیگری، حجم زیادی از نقدینگی به خرید مواد اولیه اختصاص پیدا می‌کند و بخشی از مواد اولیه مصرفی وارداتی است. ریسک این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که برای تامین ارز مورد نیاز مواد اولیه و تجهیزات وارداتی، فشار بر بخش فروش و صادرات به اشکال مختلف افزایش می‌یابد. موضوعی که در زمینه صادرات محصولات نیمه نهایی، امکان مذاکره را تا حدود زیادی از واحد فروش سلب می‌کند. (صادرات مورد نیاز برای تامین ارز وارداتی مواد اولیه و تجهیزات به صورت متوسط سالیانه 650 تا 700 میلیون دلار است.)

 حسب بررسی، بیشترین سهم نقدینگی مورد نیاز شرکت ذوب آهن مربوط به خرید مواد اولیه داخلی و خارجی است که با توجه به افزایش حدود 300 درصدی قیمت جهانی کُک و زغال از سال 1399، بیش از 80 درصد آن را شامل می‌شود.

کمبود زغال‌سنگ مورد نیاز صنعت فولادسازی به دلیل عدم برنامه‌ریزی توسعه‌ای در این بخش متناسب با نیاز کشور(نیاز کشور 3.6 میلیون تن و تولید کشور 1.7 میلیون تن)، سوءاستفاده از تحریم‌های بین‌المللی زغال‌سنگ و کک طی دوره مورد بررسی به روش‌های مختلف (اختلاط انواع تاپ شارژ و ساید شارژ، عدم بازرسی در مبدا، خرید از واسطه‌های متعدد به جای خرید از کارخانه اصلی، نبودن خط‌کش مناسب برای نوع و تناژ زغال‌سنگ و کک وارداتی) از جمله مواردی است که هیئت تحقیق ‌و تفحص مجلس شورای اسلامی از شستا، در جریان بررسی پرونده شرکت ذوب‌آهن آنها را احصاء کرد.

در سال 1397 پس از قطع همکاری ذوب آهن با کک‌سازی‌های داخلی همچون کک زرند ایرانیان و کک‎سازی تهیه و تولید، واردات کک افزایش یافت. در جدول زیر ظرفیت‌های کک‌سازی‌های موجود زغالسنگ مورد نیاز برای تولید آن ارائه شده است. در صورت تولید متناسب زغالسنگ با نیازهای واحدهای فولادسازی کشور، فقط برای تامین زغالسنگ کیفی به واردات نیاز خواهیم داشت و این در حالی است که فرآیند کک‌سازی دارای محصول جانبی بسیار اقتصادی و استراتژیکی به نام قطران است که به تبع تولید کک امکان استفاده از برش‌های مختلف آن نیز فراهم می‌شود.

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| میزان زغالسنگ مورد نیاز (تقریبی) | میزان کنسانتره مصرف شده 1400 | تولید سال 1400 | وضعیت فعلی  | ظرفیت اسمی | نام کارخانه کک سازی |
| **250/1هزار تن** | **625 هزار تن** | **480هزار تن** | **در حال تولید** | **450 هزارتن** | **باطری 1 ذوب آهن** |
| **----------** | **---------** | **--------** | **توقف تولید** | **450 هزار تن** | **باطری 2 ذوب آهن** |
| **950/1 هزار تن** | **970 هزار تن**  | **750هزار تن** | **در حال تولید** | **900 هزار تن** | **باطری 3 ذوب آهن** |
| **420هزار تن** | **210هزار تن**  | **150هزار تن** | **در حال تولید** | **400 هزارتن** | **باطری شماره 1 زرند** |
| **840 هزار تن** | **420 هزار تن** | **300هزار تن** | **در حال تولید** | **800 هزارتن** | **باطری شماره 2 زرند** |
| **240 هزار تن** | **120 هزارتن** | **80 هزار تن** | **در حال تولید** | **450 هزار تن** | **کک سازی طبس** |
| **4.700.000** | **2.285.000** | **1.737.000** | **---------** | **3.450.000** | **جمع کل**  |

در تأیید امکان سو استفاده از تحریم به این نکته اشاره می‌شود که از مجموع یک میلیون و 460 هزار تن کُک از سال 1397 تا پایان سال 1399، مقدار 290 هزار تن توسط شرکت «دوآرت (شرکت زیرمجموعه ذوب آهن) و مقدار یک میلیون و 170 هزار تن توسط شرکت‌های متعدد هلدینگ «ژانگ یان» Chuangyuan وارد شده است! در بررسی‌های ده ساله اخیر به این مهم می‌رسیم که واردات کُک در انحصار یک شخص بوده است.

واردات زغال‌سنگ نیز به صورت انحصاری توسط شرکتRHV International انجام می‌شود. هیچ کدام از دو شرکت مورد اشاره، تأمین‌کننده اصلی نیستند و در خصوص کک نیز حتی نام کارخانه سازنده برای ذوب آهن مشخص نیست.

در فرآیند برگزاری مناقصات کک، الزام به معرفی و ارایه گواهی تولید از کارخانه در اسناد مناقصه وجود دارد، اما به بهانه مختلف از جمله کرونا از سال 1398 تاکنون هیچ کنترلی در قرارداد بازرسی و مراحل بازرسی از کارخانه سازنده یا اخذ گواهی تولید کارخانه کک برای تامین‌کننده انحصاری دیده نمی‌شود. به عبارتی در تایید تکنولوژی تولید کک به گفته فروشنده استناد می شود! موضوعی که به راحتی باعث امکان اختلاط دو نوع کک تاپ شارژ و ساید شارژ را فراهم می‌کند. (قیمت کک ساید شارژ حدودا 40 تا 50 دلار کمتر از قیمت تاپ شارژ می‌باشد).

در تولید فولاد به روش کوره بلند، کک به عنوان مهم‌ترین ماده اولیه از منظر تکنولوژیکی و اقتصادی به شمار می‌رود زیرا خواص فیزیکی و شیمیایی آن تأثیر مستقیمی بر روی فرآیند کوره بلند خواهد داشت، از این رو یکی از گلوگاه‌های تولید به حساب می‌آید.

 خصوصیات کک مصرفی کوره بلند، مستقیما بر میزان تولیدی که از کوره بلند گرفته می‌شود، مؤثر است. در حسابداری صنعتی ذوب آهن هیچ‌گاه نقطه بهینه کک و زغال مورد نیاز وارداتی از بعد فنی - اقتصادی مورد تأیید یا بررسی قرار نگرفته است!

به واسطه نبود خط‌کش مشخص و درست برای تناژ زغال‌سنگ و کک کیفی بهینه در ذوب آهن و به دلیل وارداتی بودن آن یکی از آسیب‌زاترین نقاط در ذوب آهن طی سالیان اخیر همین موضوع بوده است. موضوعی که در صورت حل ریشه‌ای برای همیشه می‌تواند معضل زیان‌ده بودن ادواری این شرکت را مرتفع کند.

طی دوره مورد بررسی انتخاب و تأیید کیفیت کک و زغال‌سنگ وارداتی با سفارش معاونت بهره‌برداری و تأمین و خرید با معاونت خرید بوده است. با توجه به متغییر بودن دامنه کیفی قابل استفاده و تغییرات بسیار زیاد قیمت جهانی در بازه موردنظر، می‌بایست تعداد دفعات بازنگری فنی - اقتصادی زغال‌سنگ و کک کیفی مورد نیاز، حداقل به تعداد کوارترهای خریداری شده باشد که در حال حاضر فقدان محاسبات حسابداری صنعتی در این فرایند کاملاً مشهود است.

پایین بودن کیفیت کک مصرفی در کوره بلند به دو روش باعث کاهش راندمان کوره بلند می‌شود.

1. افزایش مصرف کک به ازای هر تن چدن تولیدی
2. نیاز به عیارهای بالاتر مواد آهندار برای رساندن تولید به ظرفیت اسمی (استفاده از گندله به جای سنگ آهن درشت دانه و آگلومره)

شروع انحراف در تأمین نوع ماده آهن‌دار و جایگزینی گندله به جای سنگ آهن درشت دانه از سال 1397 در ذوب آهن آغاز شده است. موضوعی که به گواه کارشناسان فنی یکی از دلایل افزایش بهای تمام شده در کوره بلند بوده است. قیمت دوبرابری گندله نسبت به سنگ آهن درشت دانه و ریزدانه به راحتی می‌تواند نشان دهد که نفع دلالان بر نفع ذوب آهن و گزارشات کارشناسی ارجعیت داشته است. تا جایی که حتی ذائقه معاونت تولید و خرید وقت را تغییر می‌دهد!

خرید گندله، یکی از اشتباهات بسیار بزرگ در شرکت ذوب آهن است. مگر زمان‌های محدودی که به دلایل مختلف قیمت کنسانتره و گندله تقریبا برابر می‌شود. این انحراف در خرید و بهره‌برداری برای سرپوش گذاشتن بر تبعات کاهش کیفیت زغال‌سنگ و کک مصرفی رقم خورده است. به عبارتی آزمایشگاه ذوب آهن به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان کنترلی، وظیفه خود را به درستی انجام نداده و طی سالیان اخیر کوچکترین عکس‌العملی نسبت به تغییرات منفی کیفی مواد اولیه نداشته است. متأسفانه در سنوات قبل آزمایشگاه ذیل نظر معاونت بهره‌برداری بوده است! اخیرا و چند صباحی است برای کنترل واحد بهره‌برداری، این واحد ذیل معاونت توسعه قرار گرفته است. با توجه به حساسیت‌های بسیار زیاد در این بخش می‌بایست استقلال آن به صورت یک واحد لحاظ شود.

جالب‌تر اینکه بخش تولید، همگام با بخش خرید بر این وضعیت اسفناک مواد اولیه بی‌کیفیت سرپوش می‌گذاشته است. محاسبه زیان ناشی از این تصمیم (مصرف گندله) برای سال‌های 1397 تا 1399 تقریبا در حدود هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود.

زیان ناشی از افزایش واردات زغال‌سنگ و کک جهت جبران کیفیت پایین بین سال‌های 1397 تا 1400 به نسبت سال‌های 1392 تا 1396 به طور متوسط و بدون محاسبه هزینه‌های حمل و تعرفه واردات و ... در حدود 14.5 هزار میلیارد تومان است. به غیراز افزایش واردات، تأمین زغال‌سنگ و کک متفاوت از نقطه بهینه کیفی، به طور متوسط سالیانه حداقل 150 میلیون دلار برای ذوب آهن زیان به دنبال داشته است!

یک شرکت خصوصی خارجی به نام رمکو در خرید تجهیزات وارداتی ذوب آهن نقش بسیار تأثیرگذاری دارد. مدیر عامل این شرکت، در سنوات قبل معاون فروش ذوب آهن بوده است. وی چندین سال است که مهاجرت کرده و در کشور آلمان زندگی می‌کند و شرکت خصوصی خود را مدیریت می‌کند. در عین حال و به صورت هم‌زمان به واسطه تابعیت دوگانه، مؤسس و رییس هیئت مدیره شرکت بازرگانی خارجی ذوب آهن (دوآرت) نیز است. تضاد منافع و آسیب‌پذیر بودن ماهیت شرکت دوآرت به واسطه قوانین ثبت شرکت در عمان به واسطه مؤسس بودن ایشان از ریسک‌های بسیار مهم می‌باشد. در گزارشات، کارشناسان ذوب آهن از شرکت رمکو به غلط به عنوان شرکت تراستی ذوب آهن یاد می‌کنند.

لازم بذکر است حدود 90 درصد زغالسنگ ایران در شرکتهای زیرمجموعه شستا مصرف می شود و طبعا برنامه ریزی در این حوزه اهمیت زیادی دارد اما به دلیل سیاستهای مبهم و غیر قابل توجیه علی رغم ذخایر چند میلیارد تنی در چند سال اخیر بخش قابل توجهی از زغالسنگ مصرفی از طریق واردات تامین شده است در سال 1400 طبق آمار گمرک 3 /1 میلیون تن زغالسنگ با ارزش 507 میلیون دلار و در سال 1401 حدود 4 /1 میلیون تن زغالسنگ با ارزش 788 میلیون دلار با قیمت حدود 3 برابر قیمت زغالسنگ داخلی وارد کشور شده است . در سال 1400 متوسط قیمت زغالسنگ داخلی هرتن حدود 4 میلیون تومان بوده و زغالسنگ وارداتی 13 میلیون تومان و در سال 1401 قیمت هر تن زغالسنگ داخلی 5 /4 میلیون تومان و قیمت تمام شده زغالسنگ وارداتی هرتن 5 /15 میلیون تومان بوده است . طبق صورتهای مالی ذوب آهن که یکی از شرکتهای زیر مجموعه شستا میباشد در سال 1401 بیش از 15 هزار میلیارد تومان زغالسنگ وارد کشور کرده است .

در سال 1401 تولید کنندگان بزرگ زغالسنگ در جلساتی که در شرکت صدر تامین زیر مجموعه شستا داشته اند تقاضا کردند با واقعی کردن قیمت زغالسنگ داخلی که حدود 50 درصد قیمت زغالسنگ وارداتی است آمادگی دارند با تجهیز منابع در ذخایر جدید با تامین زغالسنگ مورد نیاز کشور زمینه خودکفایی را فراهم کنند امابه دلیل مبهم عدم توجه به تولید داخلی و پایین نگاه داشتن عمدی قیمت زغالسنگ که باعث غیر اقتصادی شدن تولید شده موجب شده است در سال 1402 حدود 16 درصد تولید زغالسنگ داخلی کاهش یافته و برای اولین بار بیش از 50 درصد زغالسنگ مورد نیاز از طریق واردات با قیمت 3 برابری قیمت داخلی تامین شود .

این در حالی است که حدود 60 درصد زغالسنگ کشور نیز در شرکتهای زیر مجموعه شستا بویژه شرکت زغال سنگ کرمان تولید میشود. این در حالی است که عدم سیاستگزاری مناسب که تا حدودی هم مشکوک میباشد باعث شده با کاهش تولید این شرکتهای زیر مجموعه هم با کاهش سود و حتی زیان دهی مواجه شوند . در مجموع سیاست تکیه به زغالسنگ وارداتی و عدم توجه به روشهای افزایش تولید داخلی از مواردی است که باید به صورت مستقل و دقیق توسط ارگانهای نظارتی و قضایی مورد پیگیری قرار گیرد .

**2. رایتل**

متأسفانه اپراتور رایتل در گذشته به حیات خلوت دولت‌ها به منظور تأمین هزینه‌های جاری و شخصی تبدیل شده بود. چنبره یک حلقه شبه‌امنیتی در اپراتور رایتل، عملاً این شرکت را از حیز انتفاع ساقط کرده و به وضعیت اسفناک امروز رسانده است!

**- شرکت «فرابُرد داده‌های ایرانیان»**

گزارش تخلفات این شرکت، روایت حقوق پایمال‌شده بیت‌المال توسط «یقه سفیدان» است که ضمن لحاظ کردن ادبیات بررسی‌های مرتبط با تقلبات، مواردی از رویدادهای تقلب‌آمیز و یافته‌های کارشناسی را به جهت اتخاذ تصمیم مناسب به نهادهای ذی‌ربط ارائه می‌کند. در این راستا و با نگاهی به سنوات گذشته، در می‌یابیم که متقلبان با حرص و ولعی وصف‌ناپذیر سعی در چپاول اموال رایتل داشته‌اند، بنابراین حقوق از دست رفته شرکت خدمات ارتباطی رایتل (سهامی خاص) از شرکت فرابرد داده‌های ایرانیان (سهامی خاص) باید احقاق شود، این حقوق شامل کلیه دارائی‌هائی است که به‌صورت رایگان و همچنین به ثمن بَخس و در طی عملیاتی متقلبانه‌ای به شرکت فرابرد داده‌های ایرانیان (سهامی خاص) واگذار شده است. این واگذاری توسط اشخاص حقیقی که دارای مشاغل مؤثر در تصمیم‌گیری بوده‌اند، مستندسازی و تسهیل گشته است. با نگاهی به تاریخ تأسیس «شرکت فرابُرد داده‌های ایرانیان»(سهامی خاص) در تاریخ 15/04/1395 و رویدادهای قبل و بعد از این تاریخ، می‌توان به اطلاعاتی درخصوص تضییع حقوق بیت‌المال دست یافت.

در رویدادهای انجام شده، وقوع «تقلب» به دلیل وجود پنهانکاری و خیانت در امانت بدون نیاز به کاربرد اجبار فیزیکی در بدست آوردن دارایی‌های شرکت انتقال داده‌های رهام داتک به نفع اشخاص حقوقی خارج از محدوده شستا و همچنین خودآگاه بودن تصمیم‌گیرندگان محرز است. همچنین از سویی با بررسی رویدادهای مالی و پس از تقلب صورت گرفته مالکیت 70 درصد از سرمایه شرکت فرابرد توسط شرکت داده پایش آرته و فروش 51 درصد از سهام خود به شرکت فناپ (توسعه فناوری ارتباطات پاسارگاد آریان) به ارزش 667 میلیارد ریال، با موردی عجیب از مقوله «پولشویی» در شرکت فرابرد داده‌های ایرانیان روبرو هستیم.

شکایتی مبنی بر عدم ارزش‌گذاری و واگذاری غیرقانونی سهام شرکت انتقال داده‌های رهام داتک علیه مدیران شرکت در اسفند 1400 در دادسرای ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی مطرح و موضوع به دادسرای نظامی تهران ارجاع شده است.

**- قرارداد زیان‌بار با شرکت هوآوی**

*در خصوص قراردادهای با شرکت هوآوی علاوه بر موارد فوق، شرکت خدمات ارتباطی رایتل از سال 1392، اقدام به خرید تجهیزات غیر ضرور و ناقص به ارزش 27.993.909 یورو از شرکت‌های Huawei نمود. البته مدیران فعلی رایتل به هیئت تحقیق و تفحص اعلام کردند تا کنون حدود 25 درصد تجهیزات یاد شده در پروژه‌های جایگزین، استفاده شده و فرایند استفاده مستمر از آن‌ها در جریان می‌باشد.*

**3. کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران**

معاون مالی گروه کشتیرانی جمهوری اسلامی در سال‌های 1394 تا 1398 برخی گردش‌های مالی مشکوک داشته تا این که مستند به گزارش‌های سازمان بازرسی کل کشور در سال 1398، پرونده سوء جریانات مالی معاون مالی وقت کشتیرانی به صورت مباشرتاً با هم‌دستی برخی افراد دیگر کشتیرانی طی شکایتی نزد دادسرای امور کارکنان دولت تشکیل شد.

طبق نامه 1189/12600مورخ 7/9/1402مدیریت حسابداری مالی شرکت کشتیرانی به هیئت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی در خصوص تخلفات مالی انجام شده از سوی معاون اسبق مالی شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های مسئولیت از سال 1394 الی 1398، با ارجاع و تشکیل پرونده موضوع تخلف فوق‌الذکر به دادسرای جرائم کارکنان دولت به شماره 9809982132300246 مورخ 27/2/1399 نزد شعبه 15 بازپرسی رسیدگی به پرونده شروع شده و در جریان است. بر اساس بررسی‌های انجام شده توسط کارشناس منتخب رسمی دادگستری چنین گزارش شده است که «دفاعیات شرکت کشتیرانی و وکلای متهم مطالعه و مستندات ارائه شده مورد بررسی قرار گرفته است، مانده بدهی ناشی از برداشت‌های غیرمجاز مشارالیه به مبلغ 15.467.101 دلار، مبلغ 100.000 یورو و مبلغ 67.903.758.983 ریال اعلام می‌گردد».

|  |
| --- |
| مجموع اختلاس معاون مالی وقت کشتیرانی به استناد گزارش کارشناس رسمی دادگستری |
| دلار | یورو | ریال |
| 15.467.101 | 100.000 | 67.903.758.983 |
| مجموع | 15.704.221 دلار |

**نکته:** رقم احصاء شده ابتدایی از سوی کشتیرانی، بالغ بر این ارقام است ولی به توجه به رسمی بودن گزارش کارشناس منتخب دادگستری، رقم احصاء شده توسط این کارشناس، مبنا قرار گرفته است. در خصوص آخرین وضعیت پرونده وی، علی رغم پیگیری‌های متعدد و مکرر تاکنون منتج به صدور کیفر خواست نگردیده است. با توجه به اطاله دادرسی در این پرونده و عدم تعیین تکلیف مرجع قضایی، از ریاست محترم قوه قضاییه تقاضا می‌شود که دستور تسریع در رسیدگی به پرونده صادر شود.

**4. ایران سازه**

یکی از پرونده‌های تخلفات مهم شرکت‌های زیرمجموعه شستا به شرکت ایران سازه مرتبط می‌شود و بخش اعظمی از وقت هیئت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از شستا به پیگیری این پرونده صرف شده است. اهمیت این پرونده نه صرفاً از منظر رقم‌های سنگین و زیان‌های وارده، بلکه از منظر نقش افراد خاص و صاحب منصب در جایگاه‌های مختلف حراستی و نظارتی و اجرایی و تقنینی است به طوری واکاوی این پرونده نشان می‌‌دهد افراد چگونه با سوءاستفاده از جایگاه خود و برای تأمین منافع شخصی، حاضرند منافع جمعی را ذبح کنند.

در بین خریداران طیف مختلفی از افراد دیده می­شود؛ جدای از افراد عادی، مقامات امنیتی، سیاسی، اقتصادی و دارای روابط ویژه در شرکت ایران سازه(ارکان مختلف)، شرکت عمران و حمل و نقل تأمین، شرکت سرمایه­گذاری تأمین­اجتماعی، سازمان تأمین­اجتماعی، وزارت­خانه‌ها، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و... در بین خریداران دیده می­شود که فشار این افراد و بعضاً حمایت­های ایشان از مدیرعامل وقت در پرونده، مسیر رسیدگی قضایی را کند نموده است.

از کل تعداد 253 فقره قرارداد فروش منعقد شده در سال 1397 به ارزش بالغ بر 2.905 میلیارد ریال، تعداد 158 فقره قرارداد فروش به مبلغ 2.501 میلیارد ریال (معادل 62.4 درصد قراردادهای فروش و 70.6 درصد مبلغ فروش محصولات)، مربوط به قراردادهای فروش منعقده در حد فاصل تیرماه لغایت شهریور ماه سال 1397 است که با قیمت کارشناسی انجام شده در اردیبهشت 1397 و طی مدت قانونی 6 ماهه مهلت گزارش کارشناس رسمی صورت گرفته است. لیک حسب نظر همان کارشناسان و همچنین اطلاعات بانک مرکزی و شرایط حاکم بر اقتصاد کشور، در این بازه زمانی نرخ مسکن به صورت روزانه با افزایش چشمگیر مواجه بوده است. این در حالی است که فروش‌های انجام شده در این دوره بدون تجدید ارزیابی در گزارش کارشناسی در خصوص این افزایش و با همان قیمت اردیبهشت ماه و بدون رعایت صرفه و صلاح شرکت انجام شده است. لذا بدین دلیل و به منظور مشخص شدن قیمت واقعی واحدهای فروخته شده، شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی(شستا) به درخواست و با هماهنگی هیئت بازرسی اقدام به اخذ نظر هیئت کارشناسی سه نفره برای کلیه املاک مربوط به 253 فقره قرارداد مزبور در تاریخ‌های فروش آ‌نها کرد. لذا نتایج حاصله موید فروش واحدها با قیمتی پایین‌تر از ارزش واقعی آنهاست. برخی از قرارداهای فروش نیز به مقامات ذی نفوذ بعضا حتی با 5 درصد از مبلغ قرارداد، واحد آپارتمانی غالبا در منطقه یک تهران به صورت مبله با برندهای اروپایی تحویل شده است (با وجودی که قیمت درج شده در قرارداد فروش، بسیار کمتر از قیمت روز بوده است). برخی از فروش‌ها که به تعدادی از کارکنان شرکت انجام شده، با شرایط ویژه صورت گرفته است. به طوری که کارکنان مبادرت به خرید واحد و پرداخت بخش بسیار ناچیزی از ارزش واحدها نموده (بعضاً کمتر از 50 میلیون تومان) و با انعقاد قرارداد، اقدام به فروش این واحد و تأمین مابقی مبالغ مورد لزوم از این محل کرده‌‌اند و سودهای قابل توجهی نصیب کارکنان شده است.

پرونده شکایت از مدیرعامل اسبق این شرکت چندین سال است که در دستگاه قضایی است و با وجود گذشت زمان قابل توجه هنوز منجر به صدور رای نهایی نشده است. جهت اقدام قضایی در سال ۹۹ پرونده شکایات متعددی در شعبه ۳ بازپرسی کارکنان دولت تشکیل و در همان سال موضوع به ضابط خاص قضایی ارجاع می‌گردد. پس از تغییر بازپرس، بازپرس جدید موضوع را به هیات کارشناسی ارجاع داده و در نهایت نظریه کارشناسی اخذ و بر این اساس و با استدلال اینکه شرکت ایران سازه یک شرکت خصوصی و مشمول ماده ۵۹۸ قانون مجازات نمی‌باشد، صرفا قرار مجرمیت خیانت در امانت صادر ‌گردیده است.

-عدم همکاری با هیئت تحقیق و تفحص و ارائه اطلاعات ناقص و جهت­دار

پس از استقرار هیئت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از شستا، مکاتبات زیادی با مدیرعامل وقت شرکت ایرا­ن سازه صورت پذیرفت که جواب مکاتبات با تأخیر واصل گردید. متأسفانه در مواردی اطلاعاتی ارسالی ناقص یا فاقد اسناد لازم بوده و در مواردی نیز موارد ارسالی کاملاً غیرمرتبط بوده، که این موضوع طی مکاتباتی به اطلاع مدیرعامل وقت شستا رسیده است؛ لیک در ادامه نیز شاهد همان روال قبلی در پاسخگویی بوده­ایم.

به نظر می‌رسد تخلفات و تضییح اموال‌های صورت گرفته از سوی شرکت ایران سازه طی سال‌های مختلف، ریشه در ضعف نهادهای نظارتی و انتصابات سیاسی شستا دارد. اینکه افراد بدون سابقه و ضابطه و صرفاً به استناد رابطه در رأس امور اجرایی شرکت‌های مهم زیرمجموعه شستا قرار گیرند، نتیجه‌ای جز این نخواهد داشت. از طرفی طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده‌های شرکت‌های زیرمجموعه شستا از جمله ایرانسازه باعث تحمیل خسارت هنگفت به منابع عمومی شده است. همان‌طور که در گزارش اشاره شده است، مع‌الأسف برخی مسئولان قضایی، از جمله خریداران واحدهای شرکت ایران سازه بودند. انتظار می‌رود عزم جدی برای مبارزه با اژدهای فساد هفت سر باشد.

**5. شرکت توسعه دارویی رسافارمد**

شرکت‌های داروسازی فارابی، زهراوی، کاسپین تأمین، لابراتوارهای رازک و پارس دارو از شرکت‌های تابعه شرکت سرمایه‌گذاری دارویی تأمین(تیپیکو) زیرمجموعه شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی(شستا)، علیه شرکت دارویی رسافارمد با مالکیت فرزند وزیر اسبق در دولت یازدهم و رئیس ستاد انتخاباتی رئیس جمهور سابق، به دلیل ارتکاب مجموعه‌ای از جرائم اقتصادی شامل تضییع و تصرف در اموال عمومی و دولتی، اخلال در نظام دارویی کشور، تحصیل مال از طریق نامشروع و جرائم موضوع مواد 598 و 599 قانون مجازات‌های اسلامی که موجب تضییع گسترده اموال مربوط به حقوق عامه و بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی شده است، طرح شکایت کرده‌اند. اما مجموعه مدیریت وقت تیپیکو و شستا در راستای احقاق حقوق بیمه‌شدگان و دریافت کامل طلب از شرکت پخش رسادارو، اقدامات لازم را بجای نیاورده‌اند. پس از تغییر مدیرعامل هلدینگ تیپیکو در سال 1397، پیگیری دریافت مطالبات از رسادارو در آن دوره و با گذشت زمان آغاز شد. مجموعه شرکت‌های تیپیکو در ازای مطالباتشان از فرزند این فرد پرنفوذ در دولت سابق، اقدام به معامله ملک با شخصی به اسم فردی به نام غیر می‌کنند که (به دلیل ضعف حقوقی یا تبانی)، فرایند انتقال ملک به مشکل بر می‌خورد چرا که ملکی واقع در خیابان دماوند به مساحت 3929.5 مترمربع به عنوان مابه‌ازای طلب به شرکت‌های زیرمجموعه تیپیکو واگذار شده، اما شخص فروشنده مدعی است 2900 مترمربع از این مساحت سرقفلی پارکینگ صنعتی بوده و متعلق به وی است!

مجموع طلب شرکت‌های یاد شده از رسادارو به‌انضمام خسارات تأخیر تأدیه بیش از 400 میلیارد تومان است.

 نکته مهم درباره شرکت رسادارو، زمان و حجم فعالیت آن است. دولت یازدهم مرداد سال 1392 مستقر می‌شود و این شرکت از آذر 1393 شروع به فعالیت می‌کند و اوج فعالیت شرکت طی سال‌های 1393 تا 1395 بوده و از اواخر 1395 و 1396 به مرحله ورشکستگی می‌رسند. در زمان آغاز فعالیت، این شرکت هیچ سابقه‌ای در صنعت دارو نداشت و این شرکت‌های دارویی بدون انجام فرآیند اهلیت‌سنجی، اعتبارسنجی و اخذ تضامین لازم و صرفا به دلیل وابستگی به یک فرد ذی نفوذ در دولت، شرکت‌های زیرمجموعه تیپیکو، با آن شرکت وارد همکاری شدند. از طرفی نسبت به زمان متعارف بازار نیز، فروش مدت‌دارتری داشته‌اند، به طور مثال در مقایسه با مدت زمان فروش به شرکت‌های پخش همگروه خودشان (زیرمجموعه تیپیکو) فروش بلندمدت‌تری داشته‌اند. البته موضوع به اینجا ختم نمی‌شود؛ شرکت‌های یاد شده زمانی که شرکت‌های هم‌گروه نیازمند دارو بودند، داروهای خود را در اختیار رسادارو قرار داده‌اند. آن‌هم صرفا داروهای گلچین شده و پر متقاضی. باوجود تحمیل زیان از سوی رسادارو به شرکت‌های زیرمجموعه تیپیکو، این شرکت‌ها حتی نسبت به واخواهی چک‌های سررسید شده اقدام نکرده‌‌اند. حتی مدیر حراست وقت هلدینگ تیپکو شهریور 1396 به شرکت‌های زیرمجموعه اخطار می‌دهد که حجم چک‌های برگشی رسادارو زیاد شده لذا تا اطلاع ثانوی به شرکت رسادارو فروش نداشته باشند، اما دو شرکت «زهراوی» و «پارس دارو» بازهم به رسادارو فروش داشته‌اند!

**6. پتروشیمی غدیر**

تخلفات احصاءشده پرونده شرکت پتروشیمی غدیر نیز که بخش زیادی از وقت هیئت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از شستا را به خود اختصاص داد.

 مجموع تخلفات پرونده نخست مربوط به ارزان‌فروشی محصول «پی.وی.سی»، گران‌خریدن ماده اولیه «ای.دی.سی»، عدم‌النفع و عدم رفع تعهد ارزی بالغ بر 59 میلیون دلار است. از طرفی ماده اولیه مورد نیاز (EDC)به صورت گران خریداری می‌شده است و از دیگر سو، بالغ بر نیمی از محصول پتروشیمی غدیر (PVC) به صورت ارزان به 2 شرکت «سیلور ایگل» ( SILVER Eagle) و «گلدن ایگل» (Eagle Golden ) به فروش می‌رسیده است.

نکته: با توجه به اینکه فروش صادراتی شرکت پتروشیمی غدیر به صورت ارزی بوده است، لذا تسعیر میزان تخلف بر اساس نرخ در زمان جرم قابل قبول نیست چرا که اولاً محدودیت‌های قانونی مبنی بر نگهداری ارز و فروش آن بعد از سال‌های مورد اشاره به وجود آمده و ثانیاً مبالغ مذکور می‌توانست در حساب شرکت موجود بوده و عنداللزوم توسط پتروشیمی غدیر مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در همین راستا از آنجایی که رفتار مجرمانه بر اساس خرید ماده اولیه و فروش محصول به صورت ارزی صورت پذیرفته است، پیشنهاد می‌شود رسیدگی و محکومیت متهمان بر اساس ارزی صورت پذیرد.

در خصوص تخلفات صورت گرفته پیرامون گران خریدن EDC و ارزان فروشی PVC توسط مدیران سابق، در سال 1398 با شکایت سازمان بازرسی و ضابطین قضایی، پرونده‌ی کیفری علیه مدیر عامل وقت مطرح می‌گردد. شرکت نیز در تاریخ 14/07/1401 نسبت به تنظیم و ثبت شکوائیه علیه مدیرعامل وقت مبادرت گردید که پرونده در دست رسیدگی است.

موضوع پرونده تعهدات ارزی نیز با اقدامات صورت گرفته، رفع و منجر به صدور رأی برائت به نفع شرکت گردید.

**7. پتروشیمی فن‌آوران**

**الف) مطالبات 2.8 میلیون دلاری بابت فروش متانول به شرکت jovo:** موضوع پرونده موسوم بهJovo ، فروش 8500 تن متانول Grade AA به ارزش 2.864.000 دلار از سوی شرکت فن آوران به شرکت چینیJovo Chemical Co در تاریخ 2/3/2014 با کارگزاری شرکت Gelub از توابع شرکت ماکرو اینترنشنال سرویس است. متأسفانه باوجود تحویل محصول به شرکت Jovo ، مبلغ آن از سوی شرکت فن آوران دریافت نشده است. پس از اینکه به مدت 5 سال تصور بر این بود که به علت هک ایمیل‌ها، این مبلغ به حساب شرکت فن آوران واریز نشده است، بررسی‌های دفتر حقوقی شستا نشان از تبانی برخی کارشناسان و سوء مدیریت شرکت‌های زیرمجموعه گروه دارد.

**-طرح** **دعوای کیفری علیه مسببین و مقصرین احتمالی پرونده**

با توجه به الزام سازمان بارزسی و مکاتبه تاپیکو و مصوبه هیئت مدیره در این خصوص، در انتهای سال 1399 شکایت کیفری و اعلام جرمی در دادسرای کارکنان دولت ثبت و با شماره پرونده 9909982133100308 و شماره بایگانی 9900442 در شعبه 11در دست رسیدگی قرار گرفت. بازپرس محترم پرونده بعد از بیش از یک سال انجام تحقیقات مقدماتی و احضار تعداد زیادی از مدیران وقت و مدیران بعدی شرکت فن آوران و ماکرو، برای چند نفر قرار مجرمیت صادر کرد که با مخالفت دادیار اظهار نظر مواجه شد و پرونده برای رفع اختلاف به دادگاه کیفری 2 ارجاع شد. دادگاه کیفری 2 نظر بازپرس را تأیید کرد و قرار جلب به دادرسی برای مدیر عامل وقت شرکت فن آوران، مدیر بازرگانی وقت فن آوران، کارشناس بازرگانی وقت فن آوران، کاپتان کشتی و مدیر عامل وقت شرکت گلوب صادر شد. پرونده به شعبه 1059 دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی کارکنان دولت ارسال شد که طی دادنامه 140168390011777555 مورخ 23/08/1401 حکم به محکومیت 5 نفر از مدیران و کارمندان وقت شرکت پتروشمیی فن آروان به تضییع اموال عمومی مستند به ماده 598 قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، صادر کرد. با اعتراض محکوم علیهم، پرونده به شعبه 68 دادگاه تجدید نظر استان تهران واقع در مجتمع مبارزه با مفاسد اقتصادی ارجاع شد و طی دادنامه صادره از این شعبه و با استناد به اینکه اموال سازمان تأمین اجتماعی و به تبع آن اموال شرکت‌های زیر مجوعه شستا دولتی نیستند، رأی بر برائت متهمین صادر نمود!

**ب) دو میلیون یورو ویلموتس**

هیئت مدیره شرکت سرمایه‌گذاری نفت و گاز و پتروشیمی تأمین(تاپیکو) آبان 1398 طی مصوبه‌ای، مبلغ 2 میلیون یورو از منابع سهمیه فروش ارز پتروشیمی «فن‌آوران» را با عنوان تهاتر بدهی سود سهام این شرکت به هلدینگ تاپیکو، تأمین و ازطریق سامانه نیما به فدارسیون فوتبال پرداخت کرده است. در نامه شماره 265496/98 بانک مرکزی به رئیس فدارسیون فوتبال، مقصد پرداخت این رقم، «تأمین حقوق سرمربی و کادر فنی تیم ملی فوتبال بزرگسالان از محل تعهدات ارزی شرکت پتروشمی فن آوران» عنوان شده است، این در حالی است که مبلغ یادشده صرفاً برای پرداخت به «ویلموتس» به‌منظور هدایت تیم ملی فوتبال، آن‌هم فقط در بازه 7 ماهه خرداد تا آذر 1398 پرداخت شده است. در نامه رئیس وقت شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی(شستا) به مدیرعامل وقت شرکت سرمایه‌گذاری نفت، گاز و پتروشیمی تأمین(تاپیکو)، به تعهدنامه بازپرداخت فدراسیون فوتبال تا تاریخ 31 خرداد 1399 اشاره شده است. همچنین مبلغ 8 میلیون و 188 هزار درهم امارات به صورت حواله لحاظ شده است.

نکته قابل تأمل اینکه معاون اول رئیس جمهور دولت دوازهم طی‌نامه‌ای با سربرگ دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و تحت عنوان «مصوبه1/23 مورخ27/09/1398 ستاد مقابله با تحریم» به وزرای «اطلاعات، اقتصاد، کشور، دفاع، امورخارجه، کار، صمت، نفت و ورزش و همچنین رؤسای بانک مرکزی وسازمان ‌برنامه‌وبودجه و معاون اول قوه قضائیه» درآن زمان گفته است با «توجه به تحریم‌های بین‌المللی و به‌منظور انتقال مطالبات و بدهی‌های فدراسیون فوتبال»، دستمزد این مربی خارجی مشغول در فوتبال ایران پرداخت شود.

از فروردین 1399 تا مهر همان سال، شستا مکاتبات زیادی با فدراسیون فوتبال انجام داده ولی بی‌نتیجه بوده است در نهایت با اقدام حقوقی، شش دانگ از ملک فدارسیون فوتبال و 2.94 دانگ از ملک باشگاه پرسپولیس به شستا منتقل شده است بنابراین این دو ملک در مالکیت شستا قرار داشته و در 16 فروردین 1400 انتقال قطعی سند صورت گرفته است. به زعم تیم حقوقی شستا، مابه‌ازای2 میلیون یورویی که از شرکت فن‌آوران به فدراسیون فوتبال پرداخت شده، دریافت شده و حتی ارزش 2 ملکی که مالکیت آن در اختیار شستا قرار گرفته، بیش از رقم مزبور است.

بر اساس مصوبه کارگروه مقابله با تحریم‌های شورای عالی امنیت ملی و با در نظر گرفتن ضوابط و چارچوب‌های داخلی خود پس از تصویب در جلسه هیئت مدیره خود نسبت به تأمین و پرداخت مبلغ 2 میلیون یورو به حساب تعرفه شده از سوی فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران و اخذ یک فقره چک جهت بازپرداخت مبلغ مذکور در سررسید 31/1/1399 اقدام نمود. متعاقب عدم پرداخت از طرف فدراسیون شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی نسبت به طرح دعوا به شرح ذیل اقدام نمود:

ثبت دادخواست تأمین خواسته در راستای توقیف اموال محکوم علیه که پس از ارجاع و رسیدگی در شعبه 77 دادگاه عمومی - حقوقی تهران، منجر به صدور دادنامه له شستا شد.

متعاقب اقدامات صورت گرفته در مورد تأمین خواسته و توقیف دو فقره پلاک ثبتی متعلق به فدراسیون، دادخواست اصلی به خواسته مطالبه ارز خارجی به مبلغ دو میلیون یورو ثبت و پس از رسیدگی در شعبه مذکور، دادنامه مبنی بر محکومیت فدراسیون به پرداخت مبلغ دو میلیون یورو بانضمام خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست تا یوم الوصول و همچنین هزینه‌های دادرسی طبق تعرفه قانونی)مبلغ حدود 830 میلیارد ریال( صادر شد.

نهایتاً پرونده اجرایی مربوطه در شعبه سوم اجرای احکام تشکیل گردید. با توجه به توقیف دو فقره پلاک ثبتی متعلق به فدراسیون و پیگیری عملیات اجرایی جهت برگزاری مزایده؛ پلاک های ثبتی مذکور مورد ارزیابی قرارگرفت و مزایده در تاریخ 23/10/1399 ساعت 30/8 در واحد مزایده واقع در مجتمع قضایی شهید صدر تهران برگزار شد و نهایتاً با پیگیری‌های جدی صورت گرفته منجر به تملک و انتقال قطعی 6 سهم کامل ساختمان فدارسیون و 45/2 سهم از 5 سهم ساختمان دیگر فدراسیون و در نهایت مطالبات به نرخ روز به انضمام تمام خسارات تاخیر تادیه و متفرعات طرح دعوا وصول شد.

با عنایت به صدور اسناد مالکیت به نام شستا، پیگیری‌های مستمر اعم از ارسال اظهارنامه و مذاکره با فدراسیون فوتبال مبنی بر تخلیه ملک صورت گرفت، لکن متعاقب عدم حصول نتیجه، این شرکت مبادرت به طرح دعوی خلع ید نمود و رأی خلع ید از ملک نیز در تاریخ 23/02/1402 صادر گردید. شایان ذکر است موضوع اجرت‌المثل ایام تصرف نیز پس از اظهارنظر کارشناس رسمی دادگستری در انتظار اتخاذ تصمیم از سوی قاضی محترم قرار دارد.

حسب اطلاعات هیئت تحقیق ‌و تفحص مجلس از شستا، مسئولان فدراسیون فوتبال در حال تلاش برای برگرداندن ساختمان‌های این فدراسیون که در ازای مطالبات و به صورت قانونی به شستا منتقل شده است، هستند. لذا انتظار می‌رود مسئولان شستا مراقبت‌های لازم را به عمل آورند و مانع بازگرداندن ساختمان‌های مذکور شوند.

**7. نفت پاسارگارد**

هیئت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از شستا، در جریان بررسی عملکرد شرکت نفت پاسارگاد، مفاسدی را احصاء کرد که به صورت حلقه‌ای و با حضور چهره‌های مرتبط با برخی مقامات ارشد، صورت گرفته بود به طوری که با کشف هر حلقه، حلقه دیگری کشف می‌شد. بخش عمده‌ای از وقت هیئت تحقیق و تفحص از شستا صرف پرونده شرکت نفت پاسارگاد و حلقه فساد قیر شد. ضرورت دارد نهادهای اطلاعاتی و نظارتی، افراد امین خود را برای بررسی هرچه بیشتر این مهم متمرکز کنند.

**-رانت پنهان**

یکی از رانت‌های پنهان اما مهم در فروش قیر به رانت اطلاعاتی مرتبط می‌شود. جابجایی قیر نیاز به کشتی‌های مخصوص دارد و به همین دلیل، قبل از خرید قیر باید این کشتی‌ها به سمت بنادر ایران برسند و آماده باشند تا به محض خرید، بارگیری انجام شود. با این توصیف، خرید و فروش قیر همانند سایر کالاها نیست که بلافاصله بعد از فروش، بارگیری شود. زمانی یک کشتی برای خرید قیر ایران وارد بنادر کشورمان می‌شود که حداقل 2 – 3 ماه قبل مطلع شود. بنابراین کسانی امکان فروش قیر دارند که رانت اطلاعاتی داشته باشند و به کشتی حمل قیر اطلاع دهند که فلان زمان در خلیج فارس حاضر شود. جان کلام آنکه، کسی که رانت اطلاعاتی ندارد، امکان حضور در بورس کالا و خرید قیر نخواهد داشت.

**-معادله آرامکو**

شرکت نفتی عربستان (آرامکو) بزرگترین تولیدکننده نفت به شمار می‌رود و بیشتر از ایران نفت تولید می‌کند و طبعاً باید قیر بیشتری تولید کند اما تولید قیر کمتری دارد و محصولات خود را با ارزش افزوده بیشتری تولید و با قیمت بالاتری به فروش می‌رساند. این در حالی است که ایران، بزرگترین تولیدکننده قیر غرب آسیاست! چرا که در کشورمان، امکان سوءاستفاده از سازوکار فروش قیر بیشتر است و ترجیح داده می‌شود اقدام به خام فروشی و سوءاستفاده‌های جانبی شود و همین رویه زمینه بروز فساد در حوزه فروش قیر شده است.

**-دلالان هندی**

نکته دیگری که نباید از آن غافل شد اینکه قیر به صورت مستقیم به مصرف‌کننده نهایی فروخته نمی‌شود، بلکه غالب فروش قیر به تاجران هندی است و شوربختانه آنها، صرفاً با دلالی، قیر را به مصرف‌کننده‌های نهایی می‌فروشند و سودهای کلانی به جیب می‌زنند. بنابراین باید مسئولان امر، می‌بایست با شناسایی مشتریان نهایی، اقدام به فروش قیر به مصرف‌کننده نهایی کنند.

**-عدم برگشت ارز فروش صادراتی (خسارت ایجاد تعهد ارزی)**

برابر نامه 210/40000 مورخ 12/8/1398 دیوان محاسبات کل کشور شرکت نفت پاسارگاد نسبت به ایفای تعهدات ارزی خود بالغ بر **43 میلیون دلار** عمل نکرده که بخش عمده این موضوع بدلیل فروش ارزی و دریافت ریالی قیر توسط پاسارگاد بوده است.

 شرکت نفت پاسارگاد طی سال‌های 95، 96 و 97 طی قراردادهای جداگانه اقدام به فروش صادراتی قیر به شرکت‌های DORSA و BLUE ESPERING نموده است. این فروش‌ها به‌صورت ارزی بوده ولیکن به جای ارز، معادل ریال آن با نرخ تسعیر بانک مرکزی دریافت گردیده و هیچ ارزی وارد کشور نشده است. از آنجایی که صادرات قیرهای فروخته شده به شرکت‌های فوق با کارت بازرگانی شرکت نفت پاسارگاد انجام گردیده، لذا مطرح است عدم برگشت ارز صادراتی در قرارداد دو شرکت فوق حدود **25 میلیون دلار** بوده و تعهد ارزی ایجاد شده برای شرکت نفت پاسارگاد از بابت فروش قیر به این دو شرکت حدود **10میلیون دلار** است.

**-فروش قیر کمتر از قیمت بورس**

حسب گزارش واصله، قیمت قیر به شرکت های فوق براساس معادل ریالی دریافت شده در مقایسه قیمت‌های معامله شده بورس پائین تر بوده و موجب زیان از بابت ارزان فروشی گردیده که **بالغ بر 1.6میلیون دلار** بوده که این موضوع با توجه به شرایط بازار و قیمت تمام شده و صرفه و صلاح شرکت مغایر با صرفه و صلاح شرکت بوده است.

**-ابهام در تخفیف‌های داده شده**

 فروش قیر با واسطه‌گری شرکت هرمز پاسارگاد بوده و از آنجائیکه شرکت هرمز پاسارگاد ذیل شرکت نفت پاسارگاد است، براساس توافقات به عمل آمده فی مابین این دو شرکت، به ازای هر تن قیر **14 دلار** تخفیف از سوی شرکت نفت پاسارگاد به شرکت هرمز پاسارگاد داده شده است! تا شرکت هرمز امکان رقابت و صادرات با سایر رقبا را داشته باشد، لکن شرکت هرمز پاسارگاد عیناً این تخفیفات را به شرکتDORSA و BLUE ESPERING قیر داده است. این در حالی است در شرایط یکسان قیمت فروش به درسا متوسط **2.5 دلار** کمتر از سایر مشتریان بوده است.

**-بدهی مالیاتی بدلیل دریافت ریالی**

فروش داخلی قیر بدون دریافت مالیات ارزش افزوده از خریدار موجب شده است سازمان امور مالیاتی، شرکت نفت پاسارگاد را مشمول مالیات ارزش افزوده بالغ بر ۲۳۲ میلیارد تومان کرده که بدلیل عدم پرداخت این مبلغ به 544 میلیارد تومان افزایش یافته است. در این خصوص اقدامی به منظور وصول مالیات از خریدار انجام نشده است.

**-فروش قیر کمتر از قیمت تمام شده**

بخش از قیرهای فروخته شده کمتر از قیمت تمام شده شرکت نفت پاسارگاد و حتی پایین‌تر از قیمت خرید شرکت هرمز پاسارگاد از نفت پاسارگاد بوده که موجب ضرر و زیان گردیده که این موضوع حسب نظر مدیر حسابرسی‌ بخشی از فروش‌ها با زیانی بالغ بر **967،678 دلار** فروخته شده است.

**-رشد آسانسوری افراد متخلف در نفت پاسارگاد**

مدیر حراست شرکت نفت پاسارگاد در بازه سال‌های 96، 97 که چندین ترک فعل و در یکی از مزایده‌های فروش قیر، از متخلفان حمایت کرده، چندی پیش به عنوان مدیرعامل مهمترین شرکت پتروشیمی زیرمجموعه صندوق‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منصوب شد که هشدارهای هیئت تحقیق و تفحص از شستا به مدیرعامل صندوق مذکور و وزیر محترم بی نتیجه ماند و این فرد متخلف اکنون در این سمت مهم و تاثیرگذار حضور دارد.

**8. نفت ایرانول**

**الف) پتروسان**

مدیرعامل وقت شرکت نفت ایرانول، در تاریخ 13 تیر 1384 خارج از حدود اختیارات خود و بدون مصوبه هیئت مدیره شرکت و گزارش توجیهی و عدم رعایت ضوابط شرکت، با تنظیم قراردادی نامتعارف و غیرقابل توجیه با شرکت پتروسان تحت عنوان «خرید انحصاری روغن» موجب تضییع گسترده اموال این شرکت و بیت‌المال شده است. میزان ضرر و زیان وارده از سوی شرکت پتروسان تا تاریخ (6/12/1401) بیش از **2500 میلیارد ریال** برآورد شده است و با توجه به اینکه تا بازه مورد بررسی کماکان تعیین تکلیف نگردیده بود، ذکر شده است.

اقدامات صورت گرفته برای فراهم آوردن زمینه تحصیل من غیر حق و نامشروع اموال و منافع از طریق قرارداد یاد شده به طور کلی در سه دسته جای می‌گیرد:

 الف) عدم رعایت الزامات قانونی در تنظیم قرارداد:

- عدم وجود گزارش توجیهی جهت تنظیم قرارداد موردنظر

- عدم رعایت اساسنامه وقت شرکت در تنظیم قرارداد یادشده

- تنظیم قرارداد با امضای منحصر مدیرعامل

 ب) مقرر نمودن امتیازات نامتعارف و غیرموجه برای خریدار و به زیان فروشنده:

- قیمت گذاری برای محصول صادراتی با قیمت پایه داخلی

- تعیین کارمزدهای نامتعارف و فراتر از حاشیه سود شرکت نفت ایرانول برای شرکت پتروسان

- در اولویت قراردادن در خواست‌های خرید شرکت پتروسان

- عدم دریافت تضمینات معتبر از شرکت پتروسان

 ج) پیش‌بینی ساز و کارهای اجرایی غیرمتعارف به سود خریدار و به زیان فروشنده:

- قطعی شدن خرید با صدور پروفرما برخلاف عرف مسلم تجاری

- عدم الزام شرکت پتروسان به پرداخت بهای کالاها در زمان قطعی شدن خرید

- سپردن اختیار تعیین میزان کارمزد به شرکت پتروسان

- عدم تعیین کشورهای مورد توافق جهت عاملیت فروش محصولات شرکت ایرانول

**ب) پگاه رزم آوران مازندران**

شرکت نفت ایرانول یکی از بزرگترین تولیدکننده‌های روغن روانکار ایران است. بخش عمده‌ای از سهام آن متعلق به سازمان تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری با چتر حمایتی 45 میلیون مستمری‌بگیر و بیمه‌شده است و حدود 13 هزار نفر سهامدار حقیقی از طریق بورس، سهامدار این شرکت شده‌اند اما به دلیل عملکرد ضعیف مدیران گذشته، با چالش‌ مطالبات سر رسید گذشته مواجه شده است.

شرکت پگاه رزم آوران مازندران یکی از بدهکاران سنواتی شرکت نفت ایرانول بوده و از دهه 80 بالغ بر 600 میلیارد ریال بدهکار می‌باشد. در سال 1398 با توجیه آنچه «رویکرد ارائه فرصت مجدد» نامیده شد، فعالیت مشترک این دو شرکت از سر گرفته و طی موافقتنامه‌ای مقرر شد که شرکت پگاه رزم آوران جهت پرداخت بدهی خود به شرکت نفت ایرانول، 30 فقره چک با سر رسید یک ماهه با لحاظ 2 ماه تنفس تحویل داده و چک‌های برگشتی قبلی خود را جهت رفع سو اثر مسترد نماید و در صورت پاس شدن چک‌ها، شرکت نفت ایرانول از دریافت خسارت تاخیر در تادیه صرف نظر کند ولی مجددا شرکت پگاه رزم آوران به تعهدات خود عمل نکرد و از پرداخت بدهی خود امتناع ورزید. شركت پگاه رزم آوران ساری به علت دريافت روغن از شركت نفت ايرانول و عدم توانايي در بازپرداخت مطالبات شركت نفت ايرانول، بدون لحاظ جرائم تاخير در تاديه، مبلغ 646 ميليارد ريال بدهكار است و به‌رغم پيگيري‌هاي حقوقي و توافق نامه‌هاي قبلي جهت بازپرداخت بدهي و سپردن چك‌هاي بلامحل متعدد ضمانت و ... بدهي‌ها تاكنون تسويه نشده است.

با این حال، با فشارهای برخی افراد صاحب نفوذ، از جمله احدی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی 22 آذر 1400 قراردادي يكساله تحت عنوان قرارداد كارمزدي انجام عمليات مظروف پُركني و بسته‌بندي محصولات شركت ايرانول با شركت ياد شده منعقد شده است. این در حالی است با عنایت به مکاتبه شماره 1400-14880 مورخ 09/11/1400 سرپرست وقت معاونت امور شرکت­های هلدینگ تاپیکو خطاب به مدیرعامل وقت آن هلدینگ، «قرارداد منعقده فی مابین ایرانول و پگاه رزم آوران فاقد هرگونه گزارش توجیهی، قرادادها، تفاهم نامه­ها، مستندات مربوط به انحصار شرکت پگاه رزم آوران در برند روغن 3000 ایرانول و غیره است» و «محاسبه تاخیر تادیه، بابت بدهی گذشته پگاه رزم آوران، قیمت­های بالای در نظر گرفته شده بابت کارمزد مظروف، عدم محاسبه هزینه حمل و ... و وجود ظرفیت خالی مظروف سازی در شرکت ایرانول محل ابهام است». یادآور می‌شود با توجه به وجود ظرفیت خالی شرکت روانکاران احیا سپاهان و شرکت تعاونی خدمات پشتیبانی اداری نفت ایرانول، انعقاد قرارداد به ارزش 646 میلیارد ریال با شرکت پگاه رزم آوران مازندران به‌هیچ وجه توجیه اقتصادی نداشته است.

**ج) صرافی تحیری**

شرکت نفت ایرانول در تاریح 26/8/1397 اقدام به فروش ارز حاصل از صادرات محصولات خود به میزان **پنج میلیون درهم** امارات از طریق مزایده در سامانه نیما نمود و شرکت تضامنی فرزاد صدوی و شرکاء در منطقه آزاد ماکو به عنوان برنده مزایده و خریدار ارز اعلام گردید و تمام وجه ریالی آن را به حساب این شرکت واریز نمود. متعاقباً شرکت نفت ایرانول به شرکت تضامنی تحیری و شرکاء (کارگزاری ارز وقت) دستور انجام حواله و پرداخت مبلغ پنج میلیون درهم را صادر می‌نماید ولی مبلغ مزبور بر خلاف ادعای شرکت تحیری، هیچگاه به حساب خریدار ارز واریز نمی‌گردد. با عنایت به حجم تخلفات گسترده صرافی تحیری (ارز ایران) در دستگاه های مختلف، باید موضوع از طریق مراجع ذیصلاح اداره کل مبارزه با پولشوئی پیگیری و افراد مرتبط در دستگاه های اجرائی شناسائی و با آنان برخورد لازم صورت می‌پذیرفت.

**د) شرکت نگین ستاره تارا**

پرونده حقوقی شرکت نگین ستاره تارا و شرکت‌های اماراتی و سایر اشخاص مؤثر در پرداخت‌ بهای حاصل از فروش‌های صادراتی در سال 1393 به مبلغ **63 میلیون درهم**

شرکت نفت ایرانول در سال 1393 و در چند مرحله به واسطه‌گری یک شرکت ایرانی به نام «شرکت مجتمع شیمیایی نگین ستاره تارا»(سهام خاص) به شماره ثبت 260601 مبادرت به فروش بخشی از محصول روغن پایه به ارزش 212.208.728 میلیون درهم به 6 شرکت به ثبت رسیده در امارات با اسامی‌ مشخص، کرده است. کلیه این فروش‌ها به صورت اعتباری صورت گرفته‌اند و به موجب پیش فاکتورهای صادره نحوه تسویه عمده این خریدها به صورت ۱۰ درصد پیش پرداخت و ۹۰ درصد ۴۵ روز بعد از تحویل تعیین شده بود لیکن در عمل هیچ کدام از محموله‌های خریداری شده بر اساس شرایط مذکور تسویه نشده‌اند. در بررسی سوابق مربوط به این معاملات هیچ مدرک یا مستندی که دال بر بررسی سوابق و اصالت و اعتبارسنجی ۶ شرکت اماراتی مذکور توسط واحد فروش و بازاریابی شرکت ایرانول باشد، مشاهده نشد به طور کلی می‌توان گفت که شرکت نفت ایرانول در انجام معامله معاملات مذکور هیچ یک از الزامات مقرر در دستورالعمل فروش اعتباری و اخذ تضامین خود را در زمینه اعتبارسنجی و تعیین حد اعتبار، اعطای اعتبار بعد از حداقل ۶ ماه خرید نقدی مشتری و اخذ تضامین معتبر کافی رعایت ننموده است.

طبق آخرین گزارش ارسالی حوزه حقوقی شرکت نفت ایرانول به هیئت تحقیق و تفحص از شستا، پیگیری عملیات اجرایی مطروحه علیه مجتمع شیمایی نگین ستاره تارا در اجرای ثبت اشتهارد در خصوص یک فقره چک به شماره 9591167 به ملبغ 603 میلیارد ریال انجام و قسمتی از اموال محکوم علیه (معادل 4 میلیارد و 49 میلیون و 700 هزار ریال) توقیف و تشریفات مزایده انجام و به تملک این شرکت در آمد و با توجه به صدور حکم ورشکستگی شرکت نگین ستاره تارا ادامه عملیات اجرایی متوقف شد.

**9. گروه صنعتی بارز**

هیئت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از شستا، در جریان بررسی وضعیت این شرکت، تخلفات عدیده‌ای کشف کرده که به برخی مصادیق آن اشاره می‌شود:

**-نمایندگان و عاملین فروش گروه صنعتی بارز**

در طی این سال‌ها گروه صنعتی بارز رسماً برای خود وظیفه‌ای به عنوان نظارت قائل نبوده و وظیفه خود را صرفاً ارائه محصولات به نمایندگان و عاملین فروش با قیمت مصوب دانسته است. لیکن با تکلیف وزارت صمت و پیگیری و اصرار اداره حراست و سایر نهادهای نظارتی از جمله سازمان بازرسی، اقدام به سرکشی از نمایندگان خود کرده ولیکن نتیجه‌ای از این سرکشی‌ها حاصل نشده است. در مجموع مدیران وقت گروه صنعتی بارز به عللی از جمله موارد ذیل در مظان اتهام هستند:

* اخذ ارز از نمایندگان در ازای فروش ریالی تایر به ایشان
* عدم نظارت بر شبکه نمایندگان و عدم برخورد با نمایندگان متخلف
* عدم نظارت و تهیه معیار و دستورالعمل مشخص برای سهمیه‌بندی نمایندگان
* اخذ ودیعه‌های میلیاردی از نمایندگان
* فروش سبدی به نمایندگان و الزام نمایندگان به خرید تایرهای کم تقاضا و زیان ده

**-فروش اینترنتی (شرکت سامان بارز و گروه صنعتی بارز)**

برابر بررسی‌های به عمل آمده و برخی مستندات موجود، تعداد 41880 حلقه تایر در بازه زمانی 01/01/97 لغایت 31/03/98 از طریق سامانه مذکور به فروش رسیده است که غالب خریدهای انجام شده با اسامی و کد ملی جعلی و آدرس‌های مشابه انجام پذیرفته است. حدود 80 درصد خریدها به تعداد اندک آدرس‌های مشابه ارسال شده است. پس از ورود اداره اطلاعات استان تهران به بررسی موضوع مشخص شد، غالب پرسنل شرکت مذکور در بزه انجام پذیرفته دخیل بوده‌اند. در اقدامی کاملاً هماهنگ، در زمان بازگشایی سامانه، توسط شرکت پیامک‌هایی به افراد و نمایندگان خاص ارسال و ایشان پس از کسب اطلاع از باز شدن سامانه فروش اقدام به خرید انبوه تایر می‌کردند!

به پرونده بزه انجام گرفته در شعبه 10 بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه 28 به شماره بایگانی980110 رسیدگی شده است. در این میان، کارکنان شرکت سامان بارز ادعا کردند، مدیرعامل وقت شرکت، سرپرست اسبق شرکت و عضو وقت هیئت مدیره از خرید پرسنل مطلع بوده و نه تنها اقدامی برای جلوگیری از ادامه بروز تخلف انجام ندادند بلکه در اظهارات خود به نوعی پرسنل را به این امر تشویق می‌کردند!

علی‌رغم مکاتبه با وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی و مدیرعامل شستا، هیچ‌گونه اقدام عملی جهت مدیریت فروش و مدیریت بازار ننموده و دقیقا بر خلاف مصالح دولت و نظام با ایجاد اخلال در نظام توزیع موجبات افزایش صددرصدی در بازار را به وجود آورده اند.

**-حضور بازنشستگان در سمت‌های مدیریتی گروه صنعتی بارز**

در 10 سال اخیر گروه صنعتی بارز همواره بزرگراهی برای رفت و آمد بازنشستگان با حقوق‌های دریافتی بالا بوده است. در گزارش‌های دریافتی از این شرکت تناقضاتی در زمینه ارائه اطلاعات بازنشستگان دیده می‌شود. در بعضی موارد اسامی افراد بازنشسته که دارای سمت اجرایی بوده‌اند به عنوان مشاور اظهار شده و در برخی موارد، اسامی برخی افراد که بازنشسته هستند، اظهار نشده است.

مدیرعامل فعلی این شرکت نیز به علل نامعلوم از ارسال اطلاعات صحیح به هیئت ممانعت به عمل آورده و در مکاتبات متعدد هیئت تذکرات متعدد به وزیر «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» و مدیرعامل شستا داده شده است. مشارالیه به جهت لو نرفتن اطلاعات بازنشستگی و دریافت‌های خود، اقدام به ارسال اطلاعات گزینشی و بعضا مخدوش به هیئت تحقیق و تفحص نموده است.

**-عدم اتصال باسکول ورودی درب کارخانه به سامانه SAP**

عدم اتصال باسکول ورودی درب کارخانه به سامانه SAP در سالهای 1398، 1399 و نیمه اول سال 1400 موجب مغایرت در هزینه مواد مصرفی را به وجود آورده که تنها در نیمه اول 1400به میزان حدودی 2800 میلیارد ریال مغایرت در موجودی مواد اولیه را پدید آورده است. در این خصوص توضیحات ارائه شده از طرف شرکت این گونه بوده که عدد مذکور از جنس سند اصلاح اشتباه در مصرف مواد بوده و با تسهیم منطقی آن در مصرف مواد خدشه‌ای به صورت‌های مالی شرکت وارد نکرده و از موارد قابل درج در پیش نویس نبوده و همچنین ضرورتی به افشاء در مجمع عمومی نداشته است. لازم به ذکر است حسابرس مستقل در جریان ثبت‌های مذکور بوده است.

علی‌رغم اطلاع کامل اعضای موظف هیئت مدیره شرکت و با هماهنگی حسابرس مستقل با سندسازی و ایجاد تغییرات در میزان موجودی مواد پای خط، اقدام به صورت‌سازی نموده و به نوعی با گم کردن رد عدم موجودی مواد اقدام به کاهش سود گروه صنعتی بارز در پایان سال 1400 کرده‌اند. علی‌رغم مکاتبات متعدد هیئت با شرکت مذکور، هلدینگ تاپیکو و شستا از انجام حسابرسی ویژه ممانعت به عمل آورده و با اطلاع کامل از احتمال برملا شدن **تخلف 280 میلیارد تومانی** اقدام به ایجاد حاشیه‌سازی برای اعضای هیئت تحقیق و تفحص کردند.

**10. شرکت زغال‌سنگ پروده طبس**

مدیرعامل این شرکت باحمایت برخی نهادها و مسئولان محلی بیش از 16 سال است که در مسند مدیرعامل شرکت حضور دارد. طی بررسی‌های هیئت تحقیق و تفحص از شستا مشخص شد بسیاری از خریدهای این شرکت به صورت ترک تشریفات و انحصاری صورت می‌پذیرد. یکی از مهم‌ترین موارد، پروژه خرید **ست دوم استخراج لانگ وال** در این شرکت است که به سال 1395 برمی‌گردد. در سال 1395 تعداد 21 شرکت برای خرید اسناد مناقصه اقدام کردند. مناقصه مذکور تا سال 1399 پیگیری نشد. از سال 1399 مجدداً پیگیری پروژه آغاز و اسناد مناقصه محدود آماده شد. برآورد اقتصادی در سال 1399 در حدود 32 میلیون یورو بوده است.

**ایرادات فرآیند مناقصه**

طی دوره دسامبر2020و مارس2021،TPCCOفرآیندی را برای پیش صلاحیت‌سازی شرکت‌هایی که منابع و اعتبار لازم برای طراحی، مهندسی، تأمین، نصب، راه اندازی، انجام تست‌های عملکرد و آموزش سیستم‌های معدنکاری لانگوال با ظرفیت تولید4200تن در روز را دارند، انجام داد. هفت شرکت درخواست‌هایی را برای پیش صلاحیت فراخوان شرکت در مناقصه برای TPCCO ارسال کردند. در ادامه مشخص شد تمامی هفت شرکت معیارهای پیش صلاحیت برای شرکت در مناقصه را دارا هستند. با وجود امتیاز فنی لازم برای 7 شرکت، تنها دو شرکت حاضر به ارایه قیمت شدند. در بررسی‌های انجام شده عدم تناسب بین اسناد مناقصه و شرایط موجود بین‌المللی از دلایل عدم تمایل به شرکت در مناقصه اعلام شد. موضوعی که در ادامه هر دو شرکت باقی مانده نیز با آن دست به گریبان شدند و از طرف شرکت پروده طبس با چشم پوشی، راه حلی برای آن ارایه داد. مشکلاتی از جمله ضمانت‌نامه بین‌المللی و همچنین عقد قرارداد سه جانبه با سازنده اصلی تجهیزات.

با بررسی فرآیند برگزاری مناقصه محدود خرید ست دوم لانگ وال در شرکت زغال‌سنگ پروده طبس که یکی از روش‌های افزایش تولید زغال‌سنگ در این معدن عنوان می‌شود، ابهامات متعددی به نظر می‌رسد که اهم آن به قرار زیر است:

1. با توجه به اشراف به محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های ظالمانه در ارتباط با صنعت زغالسنگ، چرا از ابتدا پیش بینی‌های لازم در اسناد مناقصه انجام نشده است؟ عدم توجه به این موضوع مهم از اصلی‌ترین دلایل تأخیر در این فرآیند به نظر می‌رسد. به عبارتی مهندسی مناقصه از دلایل این خطا در تنظیم اسناد مناقصه است.

2. پس از بازگشایی پاکات و معلوم شدن برنده تا ابلاغ موضوع، تقریبا دو ماه فاصله وجود دارد. دلیل این وقفه چیست؟

3. پس از ابطال مناقصه به دلیل عدم توان برنده در تعهدات (ارایه تضامین لازم به صورت مستقیم، عقد قرارداد سه جانبه با سازنده اصلی و ...) که خود ناشی از عدم پیش بینی به موضوعات در بند یک این نامه است، مذاکره برای انجام کار با شرکت کننده دوم آغاز می‌شود در حالی که در ابتدای مذاکره مشخص می‌شود این شرکت نیز در ارتباط با ارایه تضامین و قرارداد، شرایط مشابهی با برنده مناقصه دارد. با این وجود اصرار شرکت زغالسنگ پروده برای ادامه کار و انجام مقدمات ترک تشریفات با این شرکت برای چیست؟

4. طبق صحبت‌های انجام شده با افراد درگیر در این فرآیند یکی از دلایل ترک تشریفات، تاکید دفتر فنی شرکت زغال‌سنگ پروده طبس در خریداری تجهیز اروپایی عنوان شده است. در صورتیکه این ادعا درست باشد، دلیل امتیاز بالای فنی دفتر فنی و مشاور بین المللی مجموعه به شرکت چینی چه بوده است؟

5. با وجود بالاتر بودن قیمت تجهیز اروپایی نسبت به قیمت برآوردی مشاور (حدود 15 میلیون یورو) و با وجود افزایش قیمت بیشتر به دلیل وجود دو شرکت تراستی فی‌مابین سازنده اصلی و شرکت طبس، و با وجود زمان لازم حداقل تا اورهال بعدی (20 ماه بعد) چرا از گزینه برگزاری مناقصه مجدد با رعایت موضوعات مطروحه در بند یک استفاده نمی‌شود؟ (صلاحیت دو شرکت تراستی نیز با توجه به سوابق موجود محل تردید است)

6- به غیر از موضوعات مطرح شده به گواه کارشناسان مرتبط شرایط لازم برای استفاده از ست دوم به بهانه لزوم افزایش تولید ، چند سالی از برنامه عقب است. به عبارتی در صورتی که همین امروز ست دوم در معدن زغالسنگ حاضر به کار باشد، با توجه به عقب بودن برنامه آماده‌سازی‌های این معدن به نسبت استخراج آن، حداقل تا سال آینده امکان استفاده از آن وجود ندارد.

هیئت تحقیق و تفحص از شستا در این زمینه مکاتباتی با مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی با ذکر دلایل مستند داشت که پس از انجام این مکاتبه و دستور مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، مدیرعامل شستا دستور ابطال خرید به صورت ترک تشریفات و برگزاری مجدد مناقصه داد. شایان ذکر است به صورت عقلانی خرید تجهیزات چند ده میلیون دلاری نمی‌تواند صرفا با تایید هیئت مدیره یک شرکت انجام گیرد و می‌بایست به تصویب هیئت مدیره هلدینگ بالادستی و هیئت مدیره شستا نیز برسد که چنین مراحلی طی نشده بود.

**11. شرکت سابیر**

پروژه خط 2 قطار شهری کرج یکی از مهم‌ترین پروژه‌های شرکت سابیر است که به‌رغم گذشت حداقل 16 سال هنوز به صورت کامل نهایی نشده است. این شرکت در سال 1384 برنده مناقصه «طرح و ساخت خط 2 قطار شهری کرج به صورت EPCF» (تأمین سرمایه‌گذاری از سوی پیمانکار) شد. دستگاه اجرایی و کافرما نیز سازمان حمل ‌و نقل ریلی شهرداری کرج بود. سابیر در سال 1385 در تأمین مالی از سوی فاینانسور خارجی(یک بانک اتریشی) موفق نشد و عملاً کارفرما، عهده‌دار تأمین مالی شد. شرکت سابیر، تأمین نشدن به‌موقع منابع مالی را علت فرسایشی‌شدن تکمیل پروژه قطار شهری کرج عنوان می‌کند اما مستندات متعدد نشان می‌دهد، نبود مدیریت منسجم )کارفرما و پیمانکار) البته شفاف و بدون ریخت‌وپاش از علل اصلی روی زمین ماندن پروژه متروی کرج است.

همچنین احداث سد چم‌شیر یکی از پروژه‌هایی بود که شرکت سابیر کار ساخت آن را در دست گرفت ولی در جریان ساخت‌وساز، کوتاهی‌ها و تخلفات و عبارتی حیف‌ومیل‌هایی زیادی صورت گرفته است.(شرکت سابیر پیمانکار و شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران کارفرما) چگونگی خرید دو مجموعه کامل یخساز خارجی(هورمن آلمان) شامل یخساز 48 تن، انبار یخ 5 تن و چیلر 8 هزار لیتری به مبلغ 7 میلیارد تومان (به قیمت سال 1392) از شرکت «بهنام صنعت» از جمله مصادیق این موضوع است. همچنین قرارداد خرید سه دستگاه بچینگ 150 متری، سه دستگاه بولدوزر، دو دست یخساز، سه دستگاه تولید بتن و یک دستگاه بیل مکانیکی 40 تن نیز از دیگر موارد یاد شده است. شرکت بابت تعهدات عمل نشده شرکت بهنام صنعت در سال 1395 علیه آن شرکت نزد مراجع قضایی شکایت کرده است و حکم بر محکومیت آن شرکت صادر شده و در حال اجرا است.

**12. شرکت گاز لوله**

در سال‌ 1391 هیئت مدیره وقت شرکت گاز لوله به استناد تورم هزینه‌های مالی ناشی از تسهیلات معوق بانکی، درخواست ورشکستگی کرد و در سال 1392 با رأی قطعی قضایی شماره 9209970269500934 مورخ 4/8/1392 شعبه 52 دادگاه تجدیدنظر استان تهران به دلیل ادعای عدم تکافوی دارایی در مقایسه با بدهی عمدتاً بانکی ورشکسته و از تاریخ 1/1/1385 متوقف شناخته شد و اداره تصفیه و امور ورشکستگی از انتهای اردیبهشت سال 1393 اداره شرکت مذکور را در اختیار گرفته و فعالیت آن‌را با استنباط از قانون ورشکستگی و ظاهراً برای حفظ و تأمین مطالبات و حقوق بستانکاران ادامه داده است.

درخواست ورشکستگی مذکور ابتدا در شعبه 19 مجتمع قضایی شهید بهشتی مورد برسی قرار می گیرد. در این پرونده فردی با انعقاد قرارداد وکالت 25 درصدی به وکالت از شرکت تولیدی گاز لوله، مبلغ 12 میلیارد ریال در تاریخ 19/12/1392 در قالب حق الوکاله پرداختی از شرکت دیگر تابعه صنایع پتروشیمی (گسترش تجارت هامون) دریافت کرده است. بر این اساس طی رأی شماره 9109970227901154 مورخ 30/10/91 رأی ورشکستگی گاز لوله، صادر و تاریخ توقف آن از 1/1/1385 عنوان می‌شود.

یکی از موضوعات غیر عادی در شرکت گاز لوله ادامه فعالیت شرکت گاز لوله بعد از صدور حکم ورشکستگی از جمله خرید خطوط جدید و جذب پرسنل و ... است. این واقعیت تلخ باعث شده عملا دارایی 43 درصدی شرکت سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی(هلدینگ بالادستی) بدون هیچ گونه سود و بدون هیچ گونه نظارتی در اختیار اداره تصفیه و مدیر اجرایی قرار گیرد و کمترین نظارت بر عملکرد شرکت اعمال گردد. علاوه بر این یکی دیگر از موضوعات غیر عادی در شرکت گاز لوله، بسته نشدن نماد شرکت در فرابورس بعد از صدور رای ورشکستگی و خرید و فروش سهام از سوی سایر سهامدارن به غیر از شرکت سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی است. موضوعی که می‌تواند باعث معضلات آتی برای سهامداران یا کسب منفعت بدون منطق برای ایشان شود.

در عمل شرکت سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی به مدت 10 سال از نظارت بر دارایی خود در شرکت گاز لوله و عملکرد آن محروم بوده است. صورت‌های مالی سال 1392 تا 1396 مبین سوددهی آن شرکت است. این گزارش که به تأیید حسابرس و صحه 7 نفر از کارشناسان رسمی نیز رسیده، گویای آن است که شرکت از سال 92 نه تنها زیانی نداشته بلکه با انباشت سود هم مواجه شده است. پیشی گرفتن درآمد بر هزینه‌ها دلالت صریح بر خروج شرکت از ورشکستگی دارد و اصرار بر ادامه ورشکستگی باوجود خروج عملی از آن می تواند مصداق ورشکستگی به تقلب جهت فرار از پرداخت دین و تعارض منافع مدیر اجرایی و قائم مقام وی به دلیل رقابت در همان حوزه فعالیت تجاری است.

مدیر تصفیه شرکت با اینکه خود را نماینده اداره تصفیه می‌خواند و خود را مکلف به پاسخگویی به سهامدار نمی‌داند، از همان ابتدا که مدیرعامل بود تا زمان ابطال انحلال شرکت، حقوق و مزایای ماهانه خود را از شرکت سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی دریافت نموده است. از آنجا که دریافت حقوق از جانب ایشان با علم ایشان به عدم رابطه و قرارداد با سهامدار بوده، مصداق دریافت ناروا بوده و ایشان مکلف به اعاده آن به همراه خسارت تأخیر است.

نکته مهم آنکه دادخواست ورشکستگی به امضاء مدیرعامل و عضو هیأت مدیره شرکت گازلوله بوده است و با صدور رأی ورشکستگی، مدیرعامل اسبق شرکت که تا پیش از سال 1388 مدیرعامل بوده از جانب اداره تصفیه به عنوان مدیر اجرایی منصوب می‌شود و ایشان نیز عضو هیئت مدیره را به عنوان قائم مقام خود منصوب کند! در ادامه و در زمان مدیرعامل وقت شستا در سال 1398، با پیگیری‌های قضایی، رأی انحلال شرکت گاز لوله ابطال می‌شود و مدیریت این شرکت به شرکت سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی برمی‌گردد.

بخش سوم: جمع‌بندی و پیشنهاد

هیئت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی در جریان تحقیقات خود از عملکرد شرکت شستا به 3 نکته اساسی برخورد کرده که لازم است نسبت به اصلاح و علاج آن اقدام اساسی صورت گیرد:

نخست به ضعف دستگاه‌های نظارتی درونی (حراست و بازرسی) و بیرونی برمی‌گردد. متأسفانه هیچ کارنامه عملکردی برای مدیران عامل و مدیران میانی شرکت‌ها در شستا وجود ندارد و به همین علت برخی متهمان تخلفات شرکت‌های زیرمجموعه، آزادانه در حال فعالیت اقتصادی و حتی مع‌الأسف تصدی پست مدیریتی هستند. با وجود دستگاه‌های نظارتی متعدد، نتیجه مطلوب درباره سلامت کار شرکت‌های زیرمجموعه شستا حصول نشده است و باید به سمت شفاف شدن شرکت‌ها و هلدینگ‌های شستا حرکت شود.

نکته دوم به فرایند معوج مدیریتی برمی‌گرد؛ به لحاظ قانونی، مدیرعامل شستا باید از سوی مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی انتخاب شود و مستقیم نیز به ایشان پاسخگو باشد اما درعمل مشاهده می‌شود، بدون رعایت فرایندهای قانونی، انتخاب مدیرعامل شستا،‌ حتی بدون هماهنگی با رئیس سازمان تأمین اجتماعی صورت می‌گیرد و مدیران عامل شستا نیز، رأساً با وزیر «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» و یا حتی دولت ارتباط می‌گیرند و کار می‌کنند. بنابراین باید یک بار برای همیشه این موضوع تعیین تکلیف شود که مدیرعامل شستا قراراست ذیل رئیس جمهور، یا وزیر «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» فعالیت کند یا مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی!

نکته سوم هم این که به کرات از سوی برخی مسئولان شرکت‌های به عنوان توجیه به اعضای تیم اجرای هیئت تحقیق و تفحص مجلس از شستا، گزاره بی‌مسمای «ما بخش خصوصی هستیم» گفته می‌شد! حتی در دستگاه قضایی نیز این شرکت‌ها را به عنوان خصوصی می‌شناسند. این ادعا در حالی است که شرکت‌های زیرمجموعه شستا همچون شرکت کشتیرانی و رایتل و نفت‌پاسارگاد و ... از بیخ‌وبن با سرمایه عموم مردم ایجاد شدند و در اصل، نطفه آن‌ها دولتی است و از طرفی به صورت انحصاری نیز فعالیت می‌کنند، بنابراین نمی‌توانند ادعا کنند که بخش خصوصی هستند و مشمول نظارت دولتی قرار نمی‌گیرند! ضرورت دارد شرکت‌های زیرمجموعه نهادهای دولتی، به صورت صریح مشمول نهادهای نظارتی دولتی تعریف شوند که خوشبختانه در برنامه هفتم توسعه نسبت به این مهم توجه شده است.

 هیئت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی‌های یک‌ساله شئون مختلف شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی(شستا) معتقد است برای برون‌رفت از وضع موجوع باید اقدامات اساسی در چند محور صورت گیرد:

1. ضرروت تغییر مسیر شستا از بنگاه‌داری به سهامداری

2. واگذاری بخشی از سهام شرکت‌های پربازده و سودساز جهت رد دیون دولت به سازمان تأمین اجتماعی

3. جلوگیری از فشارها و دخالت‌ها در انتصابات افراد با هر توجیه

4. تجدید ارزیابی شرکت‌ها با هدف جلوگیری از سودهای موهوم

5. پرداخت به موقع تعهدات نهادهای حاکمیتی به شرکت‌های زیرمجموعه شستا

6. تسهیل شرایط خروج از دارایی‌ها و بنگاه‌های غیرمولدساز و قراردادن آن‌ها در فهرست واگذاری

7. ادامه فرآیند شفاف‌سازی فرآیندها و ایجاد سامانه‌های گوناگون در موارد مختلف به خصوص مربوط به خرید مواد اولیه از تامین‌کنندگان وشفاف‌سازی خریداران محصولات نهایی

8. شفاف‌سازی انتخاب مدیران و کارکنان شرکت‌های زیرمجموعه شستا

9. ممانعت از به‌کارگیری مسئولان سابق قوای سه‌گانه در پست‌های مدیریتی

یادآور می‌شود باتوجه به تعداد زیاد شرکت‌های زیرمجموعه شستا و بازه طولانی مدت مورد بررسی که نیازمند تخصیص زمانی بیش از حدود قانونی تعیین شده جهت انجام تحقیق و تفحص بوده، برای رصد آنها، تخلفات احصاء شده از سوی هیئت تحقیق و تفحص مجلس از شستا، تنها بخشی از تخلفات است و انتظار می‌رود نهاهای نظارتی با دقت بیشتر و پرهیز از «تعارض منافع»های احتمالی، نسبت به رصد تخلفات صورت گرفته اقدام کنند. همچنین بخش عمده‌ای از پرونده‌های تخلف، مربوط به سال‌های قبل‌ از بازه تعیین شده برای هیئت تحقیق و تفحص (1392 به قبل) است و باید با نهادهای نظارتی توضیح دهند چه اقداماتی انجام داده‌اند و چرا هنوز به سرانجام نرسیده است.

**در خاتمه مستند به ماده (214) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس و به منظور رسیدگی به تخلفات احرازی، گزارش برای رسیدگی به قوه قضائیه یا مرجع رسیدگی به تخلفات اداری ارسال گردد**.